

فاطمه علیهاالسلام تجلی تمام زنان مقدس قرآنی

<"xml encoding="UTF-8?">

مقدمه

بی تردید یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، آیه مباهله است. آیه شریفه در جریان یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام که به مباهله معروف است نازل شده است. گروهی از نصاری از نجران برای مناظره درباره اسلام و ادعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نزد ایشان آمدند. سرانجام کار برای اثبات حقانیت یکی از دو طرف به آنجا انجامید که هر دو گروه در برابر خداوند دعا کنند تا لعنت و عذاب خدا بر دروغگویان و منحرفان از حق نازل شود. وقت خاصی معین شد. در روز موعود مردم جمع شدند، در حالی که هنوز بر مسیحیان نجران معلوم نبود که پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی را برای مراسم دعا و مباهله حاضر می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمد در حالی که علی، حسن، حسین و فاطمه زهرا علیهم السلام را با خود می آورد. بدین سان پیامبر صحنه پر شکوهی آفریده بود. مسیحیان نجران چون حالت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام را دیدند لرزه بر اندامشان افتاد و به رایزنی با پیشوای خود، اسقف ابا حارثه پرداختند. بزرگ آنان گفت: «من چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر لب به دعا و نفرین بگشایند و بخواهند کوهی را از زمین برکنند آن کوه را متلاشی کرده، برمی دارند. سوگند به مسیح که اگر آنان لب به نفرین ما بگشایند برای ما خانواده و مال و منالی باقی نخواهد ماند».

پس آنان را از مباهله باز داشت. لذا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند و گفتند: «ای ابوالقاسم! از ما بگذر، خداوند از تو بگذرد». سپس شرایط پیامبر را پذیرفتند و به نجران باز گشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام داشت: اگر آنان برای مباهله پیش می آمدند مسیحیان نابود می شدند (1). «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ... (2)»

پس هر کس که با تو درباره عیسی بعد از آنکه با تعالیم وحی بر احوال او آگاهی یافتی، به مجادله برخیزد [و سخنان و ادعای تو را نپذیرد] بگو پیش آید تا ما با فرزندانمان و شما با فرزندانانتان، زنانمان و زنانانتان و نفسهایمان با نفسهایتان در پیشگاه خداوند دعا و نفرین نموده تا لعنت و عذاب خدا را بر دروغگویان و حق گریزان قرار دهیم.

دانشمندان اهل سنت در مصادر متعدد روایی و تفسیری اذعان کرده اند که مراد از «ابنائنا» (فرزندان ما [پیامبر]) حسن و حسین علیهماالسلام، «انفسنا» (نفس های ما [پیامبر]) علی علیه السلام و «نسائنا» (زنان ما) فاطمه زهرا علیهاالسلام است (3). این آیه بعد از آنکه برهانهای منطقی و قیاسهای عقلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای گروه مسیحیان نجران سودی نبخشید و همچنان به مکابره و انکار خود ادامه دادند نازل شد، و به پیامبر فرمان داد به برهان مشاهده که بالاترین براهین است رو آورد. برهان مشاهده در حقیقت استمداد از قدرت مطلق و لایزال الهی برای ذلیل و منکوب کردن طرف باطل با نزول عذاب بر آنان و اعزاز و سرافرازی طرف حق به طور

عینی و قابل مشاهده است. ارزش این برهان هرگز قابل مقایسه با برهانهای نظری نیست؛ چرا که برهان مباحله حس، عقل و دل هر سه را با هم به کار می گیرد و توسط هر سه منبع، ادراک جان آدمی تصدیق می شود. برهان مباحله قبل از اثبات ادعای حق و ابطال پندار باطل، جلالت، عظمت، رفعت، روحانیت و کمال تقرب طرف حق را که پیروز میدان مباحله اند ثابت می کند. برهان مشاهده مباحله در حقیقت خدا را در طرف حق و شیطان را در طرف باطل متجلی می سازد و اثبات می کند این تجلی خاص زمان مباحله نیست، بلکه امری دائم و ابدی است. بنابراین پیام آیه مباحله چیزی بالاتر و وسیع تر از اقناع اهل نجران و اثبات حقانیت دعوی پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. آیه علاوه بر این پیام، مسیر استمرار پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله را اعلام و ترسیم می نماید. در واقع اگر هیچ آیه دیگری برای نشان دادن عظمت و رفعت مکان اهل بیت [علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام] و مسیر و طریق استمرار دین خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جز همین آیه نبود برای اهل بصیرت کفایت می کرد.

تعبیر «نسائنا» از حضرت فاطمه و «انفسنا» از علی علیه السلام در حالی که یک زن و یک مرد بیشتر نبودند و تعبیر «ابنائنا» از حسن و حسین علیهما السلام در حالی که دو فرزند بیشتر نبودند فقط ناشی از رعایت اصول و مبانی زیبایی لفظی نیست. چنان که از جنبه های عاطفی و خانوادگی سرچشمه نمی گیرد، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله در امر رسالت هرگز گرفتار عواطف خانوادگی نبود، لذا بعد از بعثت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله غریبه هایی چون سلمان خویشاوند و نزدیکانی چون ابولهب غریبه شدند. هم انتخاب آنان به عنوان طرف پیامبر در مباحله به امر پروردگار بود و هم تعبیر یاد شده درباره آنان از سوی خداوند متعال بود؛ زیرا این تعبیر در وحی الهی قرآن قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اعلام داشت:

«اگر خداوند در روی زمین بندگانی گرامی تر از علی، فاطمه، حسن و حسین سراغ داشت که من با آنان مباحله کنم، هر آینه با آنان به صحنه مباحله می آمدم، اما خداوند مرا امر کرده که همراه اینان مباحله نمایم» (4).

تعبیر نسائنا از فاطمه علیها السلام

در آیه مورد بحث، خداوند از فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان «نسائنا» (زنان ما) یاد کرده است. درباره علت اینکه از فاطمه علیها السلام که یک زن بیشتر نبود با صیغه جمع نساء (زنان) یاد شده، روایات متعددی وجود دارد و مفسران سخنان فراوانی گفته اند. این تعبیر شگفت خداوند از فاطمه که با زبان پیامبر صلی الله علیه و آله «زنان ما» صورت گرفته حاوی یک پیام بزرگ درباره شأن آن بانو برای بشر و تمام خداپاواران است. آن پیام این است که فاطمه زهرا علیها السلام سمبل و مظهر ویژگیهای تمام زنان مقدس از گذشته و هم عصر او و آینده است. فاطمه علیها السلام اگر چه یک زن است، اما در واقع، دارنده ویژگیهای تمام زنان نیک عالم است. دلیل این مطلب این است که:

سر کاربرد واژه جمع درباره فرد در قرآن

1 خداوند گاهی از یک شخص با واژه جمع یاد می کند و عمل یا شخصیت آن فرد را به تعداد زیادی نسبت می دهد، چنان که گاه عملی را که گروهی در گذشته انجام داده اند و قرنهای آن گذشته است به گروهی در زمان حاضر نسبت می دهد؛ مثلاً در آیه 181 سوره آل عمران یک نفر یهودی به نام فُنْحَاص از روی توهین گفت: خدا فقیر است، اما آیه این گفتار یا اعتقاد را به جمع نسبت می دهد و می فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

أَعْنِيَاءُ».

این سبک بیان این پیام را می دهد که آن فرد در واقع زبان تمام کسانی است که در گذشته، حال و آینده این سخن را بر زبان جاری کرده و بر این باورند، یا با این سخن راضی و موافق بوده، آن را تأیید می کنند. آن فرد اگر چه یک نفر است، اما مظهر و ترجمان تمام کوتاه اندیشان خدانشناس می باشد.

در ادامه همین آیه آمده است:

«وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (5).

فرد گوینده در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله زندگی می کرده، اما قتل پیامبران گذشته را با صیغه جمع به آنان نسبت می دهد، در حالی که در زمان انبیای پیشین هرگز حضور نداشتند، و این نیست مگر اینکه قرآن می خواهد بگوید چنین کسانی دارای شخصیت همان قاتلان مستقیم انبیاء و مظهر ویژگیهای همان انسانهای گذشته در این زمان هستند و به فعل آنان راضی اند.

قرآن در جای دیگر می فرماید:

«الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (6).

آیه می فرماید: این معجزه ای که شما برای ایمان آوردن درخواست می کنید، پیامبران گذشته آورده اند. پس اگر شما راست می گوئید چرا آن پیامبران را کشتید؟ این سخن در حالی است که هرگز دست این انسانها آلوده به خون آن پیامبران نبوده است، اما قرآن می فرماید: «فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ»؛ یعنی عمل کشتن گذشته را به آنان که در چندین قرن بعد زندگی می کنند نسبت می دهد. این نسبت در صورتی صحیح است که بپذیریم شخصیت و روح انسانهای قبلی در اینها متجلی شده و گویا دقیقاً همان انسانهای پیشین هستند که مرتکب قتل شده اند و به فعل آنان راضی هستند.

در آیه 91 سوره بقره نیز همین سبک به کار رفته است:

«قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

اساساً رضایت باطنی به فعل دیگری حاکی از مشابهت و مسانخت روحی با دیگری است، و گویا یک روح در دو قالب با زمان و مکان متفاوت است.

این سبک بیانی در قرآن درباره انسانهای صالح و نیکوکار هم آمده است؛ مثلاً از ابراهیم علیه السلام تعبیر به ملت شده است:

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا» (7).

بنا به تحلیل سابق، پیام آیه ظاهراً این خواهد بود که ابراهیم علیه السلام مظهر و تجلیگاه ویژگیهای تمام انسانهایی است که قبل و بعد از آن حضرت، بر اطاعت و عبادت خداوند پایدار و ثابت قدم بوده یا هستند، گویا روح تمام انسانهای توحیدی یکی است و بالاترین مرتبه آن در ابراهیم علیه السلام متجلی شده است.

سرّ کاربرد واژه جمع درباره فاطمه علیهاالسلام

آنچه گذشت، روشن می سازد اگر قرآن تعبیر «زنان ما» را درباره فاطمه زهرا علیهاالسلام به کار می برد، می خواهد این پیام را بدهد که آن حضرت مظهر و اسوه تمام زنان حنیف، پاک و منسوب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد و گویا تمام زنان مقدس قبل و بعد از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام یک روح بوده و کمال و تمام

تجلی و ظهور آن در فاطمه زهرا است.

اما آن زنان چه کسانی هستند؟ بی تردید زنانی که قرآن به خاطر تقدس و ویژگی الهی از آنان یاد می کند، همه از تبار پاکیها، حنیف، و از منسوبان حقیقی گوهر انسانیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند.

زنان مقدس قرآنی

قرآن بجز فاطمه زهرا علیهاالسلام به صراحت یا به کنایه، از دوازده زن پاک نام می برد:

1 حوا (8)، 2 آسیه همسر فرعون (9)، 3 سارا همسر ابراهیم (10)، 4 هاجر همسر ابراهیم (11)، 5 یوکابد مادر موسی (12)، 6 صفورا همسر موسی و دختر شعیب (13)، 7 الیزابت یا یصابات همسر زکریا (14)، 8 حنّه همسر عمران (15)، 9 همسر ایوب (16)، 10 بلقیس (17)، 11 مریم علیهاالسلام (18)، 12 خدیجه علیهاالسلام (19).
قرآن برای هر یک از این زنان صفت یا صفات بارزی را به عنوان شاخصه ذکر می نماید که به ترتیب یاد شده به آن صفات اشاره می شود:

1. حوا همسر حضرت آدم از تائبات بود

«قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا...»

... پروردگارا! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشایی و بر ما ترحم ننمایی هر آینه از زیانکاران خواهیم بود (20).

2. آسیه همسر فرعون از مؤمنات و مشتاقان خدا بود

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا...» (21)

خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند (آسیه) زن فرعون را مثال می زند... آن گاه که [در مقابل تهدیدات فرعون] گفت: پروردگارا خانه ای در نزد خودت (بهشت)، برای من بنا نما... .

3. سارا همسر ابراهیم از قائمات و خدمتگزاران پیامبر بود

«وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ...»؛ و همسر او به خدمتگزاری به پا بود... (22).

4. هاجر همسر ابراهیم از سائحات بود.

سائحات که در قرآن به عنوان یکی از صفات کمالی برای زنان ذکر شده (23) به معنای زنان مهاجر است. علامه طباطبایی می گوید سائحات کسانی هستند که با گامهای خود از مسجدی به مسجد دیگر و از معبدی به معبد دیگر هجرت نموده، با بدنهای خود در پی اطاعت و انجام دستورات پروردگار می روند (24). هاجر نمونه سائحات بود؛ زیرا به امر خداوند همراه ابراهیم از اورشلیم به مکه هجرت کرد و رنج دوری از وطن، خانه و شوهر خود را تحمل نمود و در جست وجوی آب بارها میان دو کوه صفا و مروه را پیمود.

5. یوکابد مادر موسی از مسلمات و توکل کنندگان بر خدا بود

«إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أُمُّكَ مَا يُوحَىٰ * أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ...» (25).

مادر حضرت موسی نمونه زنان مسلمان بود. او به امر پروردگار و با توکل بر او عزیزترین نعمت پروردگار، فرزندش را به دریا انداخت.

6. صفورا دختر شعیب، همسر موسی نمونه حیا و حسن انتخاب بود

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ... يَا أَبَتِ اسْتَعْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَعَجَرْتُ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (26).

دختر شعیب در هنگام دعوت از موسی به سوی پدرش نهایت حیا، و آزر را رعایت نمود و به رغم تهیدستی موسی ملاک گزینش را امین و توانا بودن می داند.

7. الیزابت همسر زکریا از صالحات و خاشعات بود

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَاصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونََنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (27)

... و ما همسر زکریا را برایش صالح گردانیدیم، آنها در کارهای خیر سبقت می گرفتند و ما را با حالت بیم و امید دعا می کردند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند.

8. حنه همسر عمران از متصدقات و صادقات و مخلصات بود

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي...» (28)

حنه همسر عمران، مادر مریم علیهاالسلام با اخلاص نذر نمود فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت المقدس قرار دهد و به آنجا هدیه کند؛ پس چون فرزندش متولد شد صدق خود را با وفای به نذرش به اوج رساند.

9. همسر ایوب نمونه صبر و ایثارگری و خدمتگزاری پیامبر بود

«وَ اتَيْنَاهُ أَهْلَهُ...» (29) «... وَ وَهَبْنَا أَهْلَهُ...» (30).

همسر ایوب نمونه بزرگی از ایثار و فداکاری بود، از همین رو لیاقت یافت که خداوند در قرآن از او به کنایه به نیکی یاد کند؛ زیرا در هنگام گرفتاری حضرت ایوب و بیماری و تعفن بدن او همه حتی فرزندان از او دوری گزیدند و ترکش کردند و در حالی که ایوب به فقر و فاقه دچار بود و به دلیل بیماری جسمانی حتی کسی برای صدقه دادن نزد او نمی آمد، فقط همسرش ایثار نموده، در کنار او ماند و حتی با گدایی برای حضرت ایوب به مدت طولانی نان و غذا تهیه می نمود و دست از آن حضرت برنمی داشت. افزون بر اینها حاضر شد برای شکستن سوگند حضرت ایوب بعد از بهبود و تمکن او، ضربه ضغث را تحمل کند:

«وَحُذِّ بَيْدِكَ ضِعْفًا فَاصْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» (31) و هرگز زبان به اعتراض نگشود که ای ایوب! بعد از آن همه صبوری و خدمتی که به پای تو ریختم آیا باید نسبت به من گمان بد ببری و عجلوانه سوگند یاد کنی و هم اکنون نیز برای شکستن قسم تو، من باید ضغث را تحمل کنم؟! (32)

10. بلقیس نمونه عقل، درایت و آینده نگری و حق گرایی بود

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ... قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (33).

سياق و دلالت این آیات به طور ضمنی روشن می کند که بلقیس زنی هوشمند، با درایت، عاقبت اندیش، اهل مشورت، و دارای روح حق گرایی بوده است؛ زیرا پس از مشاهده دلایل درستی نبوت حضرت سلیمان بلافاصله به خداوند ایمان آورده، مسلمان می شود و از کفر خود نادم شده، آن را ظلم به خویش (ظلمت نفسی) معرفی می کند. هوش و درایت او از آنجا آشکار می شود که وقتی نامه سلیمان به دستش می رسد با تعمق در آن، از نامه به وصف کریم یاد کرده، بلافاصله اظهار نظر نمی کند، بلکه نخبگان کشوری و لشکری را گرد آورده، با آنان به مشورت می نشیند. نخبگان لشکری راه مقابله با قدرت را پیشنهاد می کنند، اما با این حال تصمیم گیری نهایی را برعهده خود بلقیس می گذارند که خود نشان از مقبولیت حزم و عقل او در میان نخبگان دارد. بلقیس بر اساس شناخت و درایت خود تصمیم به تحقیق، تأمل و مذاکره می گیرد و چون حق برایش آشکار می گردد بلافاصله تسلیم حق می شود (34). افزون بر این، علامه طباطبایی معتقد است عبارت «أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» بر اساس قرائن در آیه شریفه بیان می دارد که از جمله چیزهایی که به بلقیس داده شده بود دوراندیشی، عقل، درایت، حزم، عزم و سطوت بود (35).

11. خدیجه نمونه ایثار و احسان بود

«... وَ وَجَدَكَ عَائِلًا...» (36).

مفسران آیه را اشاره به حضرت خدیجه (س) دانسته اند؛ زیرا کلمه عائل را به معنای فقیر گرفته و گفته اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از آنکه مالی نداشت خداوند او را به وسیله حضرت خدیجه علیها السلام که اموالش را پس از ازدواج به پیامبر بخشید، ثروتمند نمود (37). افزون بر این، روایاتی نقل شده که این نظر را تأیید می کند (38).

تجلی کمال یازده زن الهی قرآنی در فاطمه علیها السلام

قرآن از فاطمه زهرا علیها السلام نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده، وی را نمونه وفا کنندگان به عهد، صائمت، متصدقات، صابرات و ذاکرات (39) معرفی می کند. با عنایت به آیات قرآنی که در شأن آن بانو نازل شده و روایات بسیاری که درباره آن حضرت رسیده است، فاطمه علیها السلام نمونه برجسته صفاتی چون تائبه، مؤمنه، صالحه، خاشعه، قائمه، سائحه، مسلمه، متصدقه، صادق، مخلصه، صابره، عقل، درایت، حزم، حیا، ایثار، احسان، رحمت، حسن انتخاب، مشتاق خدا و خادم پیامبر می باشد (40). این صفات، همان ویژگیهایی است که قرآن برای زنان پاک و مقدس اثبات نمود و این همانندی در صفات به معنای تجلی خوبی آن زنان در فاطمه زهرا علیها السلام به نحو اتم و اکمل است.

تجلی کامل تر تقدس مریم علیها السلام در فاطمه علیها السلام

مریم، مادر حضرت عیسی زن پاکی است که قرآن بیشتر از سایر زنان به نیکی از او یاد نموده است. خداوند 34 بار به صراحت نام وی را در قرآن آورده و ویژگیهای متعالی آن بانو را مستقیم یا غیر مستقیم یادآور شده است؛ مانند، رویش نیکو (و انبتها نباتا حسنا)، صاحب محراب (کلما دخل علیها الزکریا المحراب)، قلب پر از ایمان و دارای کمال

علم (صدقت بکلمات ربها و کتبه)، عصمت، تطهیر و برگزیده خدا (و اذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك و طهرک)، پاکدامنی و عفت، مادر فرزندی پاک (مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنفعنا فيه من روحنا)، واسطه الحاق نسل به انبیاء، برگزیدگی و برتری بر زنان (إن الله اصطفاك و طهرک و اصطفاك على نساء العالمين)، محدثه بودن و نزول ملائکه بر او (اذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بغلام...) و کرامت و دریافت غذای بهشتی، مشتاق بهشت و اشتیاق بهشت به او. قرآن به صراحت او را صدیقه (و امه صدیقه) و از قائنات معرفی می کند: «وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ» (41).

... و مریم کلمات پروردگار خویش و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و او از قانتین بود. قانت از ماده قنوت به معنای مداومت بر طاعت همراه با خضوع است (42) و از نظر مرحوم طبرسی به معنای نماز، طاعت، طول رکوع، قیام، دعا و سکوت است. در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز صفات دیگری درباره حضرت مریم ذکر شده است؛ مانند نیل به آخرین درجه کمال، پاکی از خون زنانه و... (43) در مقاله «جایگاه فاطمه علیها السلام و مریم در آیات و روایات» به تفصیل چهل ویژگی برای آن بانو ذکر شده است (44)؛ لذا در اینجا از تفصیل بیشتر خودداری می شود.

نگارنده در آنجا ضمن مقایسه میان آن حضرت علیها السلام و مریم علیها السلام نشان داد که چهل ویژگی حضرت مریم در وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام به طریق اولی ظهور داشت و آن بانو نمایاننده و تجلی گر حضرت مریم علیها السلام در زمان خود بود (45).

با این حال، در اینجا اشاره به برخی آیات که به کنایه از آن حضرت علیها السلام یاد می کند و صفات بارزی از ایشان را بیان می نماید خالی از لطف نمی باشد:

1. فاطمه علیها السلام ؛ نمونه کامل صائمت و صادقات

«... يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» (46).

ائمه اطهار علیهم السلام (47) و تمام مفسران شیعه (48) و بیشتر مفسران اهل سنت (49) این آیات سوره دهر را در مورد نذری می دانند که علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای شفای حسن و حسین علیهما السلام کردند، و پس از بهبود آنان به نذر خود وفا کرده، سه روز را روزه گرفتند و افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و خود با آب افطار کردند.

2. فاطمه؛ نمونه کامل متصدقات، مخلصات و مشتاقان به خدا

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا» (50).

3. فاطمه؛ نمونه کامل صابرات

«وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» (51).

4. فاطمه، نمونه کامل ذاکرات، قانتات و خاشعات

گزیده سخن

آنچه گذشت، به خوبی علت و راز اینکه قرآن در آیه مباهله از فاطمه زهرا علیهاالسلام به «نسائنا» تعبیر نموده و در حالی که یک زن بیشتر بود ایشان را زنان منسوب به پیامبر می نامد نشان می دهد. علت و راز این تعبیر، آن است که حضرت فاطمه مظهر تجلی خوبیها و شخصیت الهی زنان قرآنی چون حوا، آسیه، یوکابد، سارا، هاجر، رحمت، حنه، الیزابت، مریم، بلقیس، صفورا، و خدیجه بود و تقدس همه آنها در ایشان جمع بود. این زنان گویا دارای روحی واحدند که در فاطمه پیامبر صلی الله علیه و آله متجلی شده است، لذا تمام آنها منسوب به پیامبرند؛ زیرا فاطمه علیهاالسلام منسوب به اوست. از همین رو قرآن از زبان پیامبر از فاطمه علیهاالسلام به «زنان ما» تعبیر نمود.

منابع و مآخذ

- 1 آلوسی بغدادی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- 2 ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند، مصر، دارالمعارف، 1368ق.
- 3 ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. قصص الانبیاء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1402ق.
- 4 امینی، ابراهیم. فاطمه زهرا بانوی نمونه اسلام، قم، شفق.
- 5 بحرانی، هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403ق.
- 6 برازش، علی رضا. المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1408ق.
- 7 بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین. السنن، بیروت، دارالفکر.
- 8 ترمذی، ابو عیسی محمد. سنن ترمذی، استانبول، 1981م.
- 9 توفیق، ابو علم. فاطمه زهرا علیهاالسلام، ترجمه علی اکبر صادقی، تهران، امیرکبیر، 1364ش.
- 10 جزایری، نعمت الله. قصص الانبیاء، ترجمه یوسف عزیزی، تهران، انتشارات هاد، 1377ش.
- 11 حافظ ابوالمؤید الموفق بن احمد. المناقب للخوارزمی، نجف، حیدریه، 1385ق.
- 12 حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411ق.
- 13 حسینی مرعشی شوشتری، نورالله. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی، 1406ق.
- 14 حسنی (سبیتی) عبدالله. المباهله، تهران، مکتبه النجاش، 1402ق.
- 15 دیلمی، محمد حسن بن محمد. ارشاد القلوب، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1395ق.
- 16 ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرساله، 1410ق.
- 17 رازی، فخر الدین. التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- 18 راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین. المفردات فی ترتیب القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، 1362ش.
- 19 رسولی محلاتی، هاشم. فاطمه زهرا، قم، علمیه اسلامی، 1357ش.
- 20 زمخشری، جارالله. تفسیر الکشاف، بیروت، دارالفکر، 1397ق.

- 21 سلمانپور، محمّد جواد. «جایگاه فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام در آیات و روایات»، مشکوة، شماره 81، زمستان 82.
- 22 سیوطی، جلال الدین. الدرّ المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
- 23 شرقاوی، عبدالرحمن. علی امام المتقین، مصر، مکتبه قریب.
- 24 شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، مصر، 1384ق.
- 25 شهیدی، جعفر. زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1365ش.
- 26 طباطبائی، محمّد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1392ق.
- 27 طبرسی، ابی علی. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، پنج جلدی.
- 28 فعال عراقی، حسین. داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، تهران، سبحان، 1378ش.
- 29 فیض کاشانی، محسن. تفسیر الصافی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، پنج جلدی.
- 30 قرطبی، محمّد بن احمد. تفسیر الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالکتب العربی، 1387ق.
- 31 قزوینی، محمّد کاظم. فاطمه از ولادت تا شهادت (فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد)، ترجمه حسین فریدونی، آفاق، 1404ق.
- 32 قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم. ینابیع الموده، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، 1416ق.
- 33 مجلسی، محمّد باقر. بحارالأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403ق.
- 34 محمّد فؤاد، عبدالباقی. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، مطبعة دارالکتب المصریه، 1364ق.
- 35 محلاتی، ذبیح الله. ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- 36 مسلم، ابی الحسین بن مسلم قشیری. صحیح، بیروت، دارالفکر.
- 37 مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374ش.
- 38 میلانی، (الحسینی)، فاضل. فاطمة الزهراء ام ابیها، بیروت، دارالتعارف، 1398ق.
- 39 نراقی، ملا مهدی. شهاب ثاقب، بی جا، بی نا، 1380.
- 40 نقی پور، ولی الله. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روش قرآن به قرآن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، 1380ش.

پی نوشت ها :

- 1 بنگرید به: نورالابصار، ص 223؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 16؛ تفسیر صافی، ج 1، ص 318؛ علی امام المتقین، ج 1، ص 23.
- 2 آل عمران / 61.
- 3 بنگرید به: فخر رازی، تفسیر الکبیر معروف به مفاتیح الغیب، ج 8، ص 85. جالب اینکه فخر رازی بعد از ذکر حدیثی از عایشه می گوید: این روایت [که آیه درباره اهل بیت، علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است] مورد اتفاق اهل تفسیر و حدیث است. همچنین بیضاوی در تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج 2، ص 47؛ مخشری در تفسیر کشاف، ج 1، ص 368؛ حقی در روح البیان، ج 2، ص 44؛ سیوطی در تفسیر جلالین؛ نهاوندی

در تفسیر نفحات الرحمن؛ واحدی در اسباب النزول؛ ابن حجر در الصواعق المحرقة؛ دلائل النبوه، ج 2، ص 124؛ ترمذی در صحیح، ج 5، ص 225؛ بیهقی در سنن، ج 7، ص 63؛ مسلم در صحیح، ج 4، ص 1871؛ احمد حنبل در مسند، ج 1، ص 185؛ بغوی در مصابیح السنه، ج 4، ص 183 و ذهبی در سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 286، همگی روایت را نقل کرده و اعتراف نموده اند که آیه در شأن علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام است.

4 المباهله، ص 66.

5 آل عمران / 181.

6 آل عمران / 183.

7 نحل / 120.

8 بقره / 35 و 36، اعراف / 19-25 و طه / 117 و 121-123.

9 تحریم / 11 و قصص / 9.

10 هود / 71 و ذاریات / 29.

11 ابراهیم / 35-40.

12 طه / 38 و 40 و قصص / 7 و 10-13.

13 قصص / 23-27.

14 انبیاء / 90، آل عمران / 40 و مریم / 5 و 8.

15 آل عمران / 35 و مریم / 28.

16 انبیاء / 84.

17 نمل / 24-44.

18 آل عمران / 33-37 و 42-47، نساء / 156، مریم / 16-34، انبیاء / 91 و تحریم / 12.

19 ضحی / 8.

20 اعراف / 23، حوا اولین زنی بود که فریب شیطان را خورد، اما به زودی متوجه شد و به سرعت با همسرش نادم شدند و صادقانه و خاشعانه توبه کردند. محلی که حوا به توبه پرداخت مروه نام گرفت. بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 86.

21 تحریم / 11.

22 هود / 71. برای کلمه قائمه در این آیه چند احتمال داده شده است؛ از جمله خدمتگزاری. بر این اساس معنی آیه چنین می شود؛ «هنگامی که فرستادگان ما برای بشارت نزد ابراهیم آمدند... چون دید دست آنان به گوسفند بریان دراز نمی شود... در حالی که همسر او در حال خدمتگزاری بود خندید...».

سیاق سه آیه که قسمتی از آنها ترجمه شد همین احتمال را تقویت می کند، چون سخن از مهمان نوازی از ضیوف با گوشت بریان شده و سخن از حاضر بودن همسر ابراهیم است (تفسیر المیزان، ج 10، ص 323). افزون بر اینکه در برخی روایات و تفاسیر تصریح شده که «وامرأته ساره قائمة تخدمهم» (الدر المنثور). گذشته از این قرائن، نقلهای تاریخی گواهی می دهد ساره همواره در خدمتگزاری حضرت ابراهیم با اشتیاق حاضر بود. بنگرید به: قصص انبیاء در المیزان.

23 تحریم / 5.

24 تفسیر المیزان، ج 9، ص 396.

25 طه / 38-39.

26 قصص / 25-26.

27 انبیاء / 90.

28 آل عمران / 35.

29 انبیاء / 84.

30 صآ / 43. بنگرید به: قصص انبیاء در المیزان، ص 167.

31 صآ / 44.

32 ابی الفداء در تاریخ قصص الانبیاء و قمری در تفسیر خود آورده اند که وقتی خداوند حضرت ایوب را شفا داد و اموال، باغ و مزرعه را به صورت ناگهانی به او بازگرداند، همسرش از راه رسید و چون صحنه را چنان دید گریست و به سجده افتاد و خدا را شکر نمود. چشمان ایوب در حین سجده وی به گیسوان بریده همسرش افتاد. ایوب قبل از اینکه علت بریده شدن گیسوان رحمت را از وی جویا شود گمان بد برد و سوگند یاد کرد که صد تازیانه به او بزند، اما چون علت را پرسید، فهمید که ماجرا چنین بوده که همسرش نزد مردم برای گدایی می رفت تا صدقه ای بگیرد و برای ایوب طعامی تهیه کند. روزی چیزی به وی صدقه ندادند و چون گیسوان زیبایی داشت به او گفتند، ما به تو طعام می دهیم به شرطی که تو گیسوانت را به ما بفروشی. رحمت از روی اضطرار و ناچاری و به منظور اینکه همسرش ایوب گرسنه نماند گیسوان خود را فروخت. ایوب چون به اشتباه خود پی برد غمگین شد، از یک طرف سوگند یاد کرده بود و از طرف دیگر به گمان نادرست دچار شده بود. پس خداوند به وی وحی کرد، برای اینکه حنث قسم نکرده باشی و از سوگند خود رهایی یابی 100 شلاق را روی هم بگذار (ضغث) و یکبار بر همسرت (رحمت) بزن. بنگرید به: تفسیر قمری، ج 2، ص 241-239؛ قصص الانبیاء، ج 1، ص 374.

33 نمل / 43-23.

34 بنگرید به: ابی الفداء، قصص الانبیاء، ج 2، ص 273؛ سید نعمت الله جزائری، قصص الانبیاء، ص 534.

35 المیزان، ج 15، ص 355.

36 ضحی / 8.

37 المیزان، ج 30، ص 311.

38 بحارالانوار، ج 43، ص 49؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 473.

39 سوره دهر و نساء / 41 و بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 327.

40 بنگرید به: سید شرف الدین، کلمه الغراء؛ توفیق ابو علم، فاطمه زهرا؛ شوشتری، احقاق الحق؛ شهیدی،

زندگانی فاطمه زهرا؛ علامه قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت؛ ابراهیم امینی، فاطمه زهرا؛ رسولی محلاتی،

فاطمه زهرا؛ فاضل میلانی، فاطمة الزهراء أم ابیها؛ بحارالأنوار، ج 43؛ خوارزمی، مناقب؛ دیلمی، ارشاد القلوب؛

شبلنجی، نورالابصار؛ محب طبری، ذخایر العقبی؛ ریاحین الشریعه؛ ینابیع الموده؛ مجله مشکوة، «جایگاه حضرت

فاطمه علیهاالسلام و مریم علیهاالسلام در آیات و روایات»، شماره 81، زمستان 82.

41 تحریم / 12.

42 مفردات راغب، ص 428.

43 توفیق ابو علم، فاطمه زهرا؛ خوارزمی، مناقب؛ شوشتری، احقاق الحق؛ دیلمی، ارشاد القلوب؛ شبلنجی،

نورالابصار؛ شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام؛ محب طبری، ذخایر العقبی؛ علامه قزوینی، فاطمة من

المهد الى اللحد؛ مجلسی، بحار الأنوار، جلد 43؛ ریاحین، الشریعه و ینابیع الموده.

44 بنگرید به: سلمانپور، «جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام در آیات و روایات»، مشکوة، شماره 81، زمستان 82 .

45 همان.

46 انسان / 7.

47 بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 412.

48 بنگرید به: المیزان، ج 20، ص 132؛ تفسیر نمونه، ج 25، ص 348؛ دکتر نقی پور، اهل بیت در قرآن.

49 بنگرید به: تفسیر قرطبی، ج 10، ص 690؛ سیوطی، الدر المنثور، ج 8، ص 365؛ حسانی، شواهد التنزیل،

ص 393؛ آلوسی، روح المعانی، ج 29، ص 158؛ تفسیر فخر رازی، ج 30، ص 240؛ واحدی، اسباب النزول، ص

296؛ سلیمان حنفی، ینابیع الموده، ج 1، ص 279؛ طبری، الریاض النضره، ج 2، ص 180 و 208؛ مقریزی، امتاع

الاسماع، ص 502.

50 انسان / 8-9.

51 انسان / 12.

52 انسان / 10.